

بیانیه باب آواکیان

۱ ماه اوت ۲۰۲۰ برابر با ۱۱ مرداد ۱۳۹۹

درباره وضعیت بحرانی فوری، نیاز فوری به طرد کردن رژیم فاشیست ترامپ / پنس،

رأی گیری در این انتخابات، و نیاز اساسی برای انقلاب

۳ اوت ۲۰۲۰ | revcom.us

مترجم: برهان عظیمی

وضعیت امروز چالش‌های بی‌سابقه و بی‌نظیری، با پیامدهای عمیقی نه تنها برای مردم این کشور بلکه برای کل بشریت، دارد. سه سال پیش، من درباره این واقعیت صحبت کردم- که از آن زمان تاکنون بسیار واضح‌تر (برجسته‌تر- م) و حتی خطرناک‌تر شده است:

ما با یک رژیم فاشیستی روبرو هستیم- اکنون تحت سلطه آن حکومت می‌شویم- رژیم فاشیستی که: بی‌وقفه و شدید به حقوق و آزادی‌های مدنی حمله می‌کند و علناً تعصب و نابرابری را ترویج می‌دهد؛ عامل ترویج رفتاری است که با نادیده گرفتن سنگدلانه و یا کینه‌های وحشیانه نسبت به کسانی که آن‌ها را فرومایه (مادون و پست- م) می‌داند و گنداب‌راه یا لکه ننگ برای کشور هستند؛ در مأموریتی برای انکار مراقبت‌های بهداشتی (بیمه درمانی- م) برای میلیون‌ها نفر که رنج می‌برند و بسیاری از آن‌ها که بدون آن خواهند مرد؛ زنان بی‌رحمانه به‌عنوان اشیاء غارتگری، پرورش‌دهنده کودکان بدون حق سقط‌جنین یا کنترل زایمان، تابع شوهرها و مردان به‌طور کلی هستند؛ ضدیت با علم تغییرات آب‌وهوا، حمله به علم فرگشت (تکامل) و به‌طور کلی رد روش علمی؛ رژیمی که پرچم زرادخانه کشتار جمعی را به اهتزاز درآورده است و تهدید می‌کند که جنگ هسته‌ای راه می‌اندازد؛ تشدید ترور دولت علیه مسلمانان، مهاجران و مردم ستم‌کشی که در داخل شهرها زندگی می‌کنند؛ از افسار رها کردن و تشویق و

حمایت از وحشی‌های اراذل‌واوباش، ترویج سفیدسالاری، مردسالاری و ضد دگرباشان جنسی و اعلام شرم‌آور "آمریکا اول" - رژیمی که از همه این‌ها به خود می‌بالد و قصدش را برای انجام دادن بدتر از این‌ها اعلام می‌کند.

این رژیمی است که توسط "دیوانه قلدری" که انگشتش که روی دکمه بمب هسته‌ای قرار دارد. این رژیمی که بدون اغراق، نه تنها تهدیدهای گسترده‌ای را برای توده‌های بشریت، بلکه موجودیت خود بشریت، با تحرکات شدیدش برای پیشبرد غارت محیط‌زیست و رجزخوانی‌اش درباره سلاح‌های بی‌همتای کشتار جمعی و اعلام آشکار تمایلش به استفاده از این سلاح‌ها، از جمله زرادخانه هسته‌ای گسترده آن.

من همچنین تأکید کرده‌ام که این سیستم سرمایه‌داری-امپریالیسم است که از طریق "عملکرد عادی‌اش" این فاشیسم را به وجود آورده است و هیچ تغییر اساسی بهتری نمی‌تواند تحت این سیستم ایجاد شود و در عوض این سیستم باید سرنگون شود و یک سیستم کاملاً متفاوت رادیکال و به مراتب بهتر برای محو و ریشه‌کن کردن همه روابط استثمار و ستم، و درگیری‌های خشونت‌آمیز که آن‌ها به وجود می‌آورند- و همه این‌ها در شالوده‌های این سیستم و کارکرد مداوم و الزاماتش تعبیه و ساخته شده است، جایگزین آن شود.

در حال حاضر، برای همه آن‌هایی که علاقه‌مند به پایان دادن به بی‌عدالتی و ستم هستند، و با این سؤال که آیا بشریت آینده‌ای که ارزش زندگی کردن خواهد داشت یا اصلاً آینده‌ای خواهد داشت - حذف رژیم فاشیستی ترامپ/پنس از قدرت یک فوریت، سؤال و الزام واقعاً تاریخی عاجلی است.

و، برای کسانی که نیاز به انقلاب را درک می کنند، برای سرنگونی این سیستم، به عنوان راه حل اساسی در مقابل دهشت های مداومی که این سیستم برای توده های بشریت ایجاد می کند (خواه این سیستم از طریق یک دیکتاتوری فاشیستی علنی اداره می شود، یا با تغییر ظاهرش "دیکتاتوری "دموکراتیک" طبقه حاکم سرمایه داری)، مبارزه فوری برای براندازی رژیم ترامپ/ پنس از قدرت نباید به عنوان "انحراف" از ("یا" جایگزین") ساختن جنبشی برای انقلاب مورد نیاز، بلکه دقیقاً به عنوان بخشی- یک بخش اساسی و ضروری فوری- از کلیت کار ساختن این انقلاب، تلقی شود.

هدف اساسی و ستاره هدایت کننده ما: انقلاب- نه چیزی کمتر، به قوت خود باقی می ماند.

در هر کاری که انجام می دهیم، از جمله در تمام مبارزاتی که چیزی کمتر از انقلاب هستند، شرکت می کنیم، رویکرد همیشگی ما است و باید باشد، که همه این ها را در خدمت هدف اصلی انقلاب و رهایی همه بشریت قرار دهد.

به طور معمول، ما کمونیست های انقلابی استدلال می کنیم که مردم نباید در انتخابات بورژوازی رأی دهند، که در خدمت تقویت سیستم موجود سرمایه داری- امپریالیسم و تغذیه توهمات مردمی است که استثمار، ستم و بی عدالتی می تواند بدون خلاص شدن از شر دستگاہی که در وهله اول این دهشت ها را ایجاد می کند، به نوعی "اصلاح شود". اما آیا اتخاذ این موضع، در رابطه با این انتخابات خاص صحیح است؟

برای پاسخ به این موضوع، باید کل تصویر را بررسی کنیم. [کل مطلب بالا را دوباره بخوانید]

۲ در حال حاضر، تقریباً در چهار سالی که در قدرت به سر می برد، ما مجبور شده ایم شاهد دهشت هایی که توسط رژیم ترامپ/پنس انجام شده است، و خطر بزرگی که توسط رژیم ترامپ/پنس ایجاد شده است، باشیم. ترامپ کارزار انتخاباتی خود را در سال ۲۰۱۶ بر اساس آنچه مربوط به یک برنامه فاشیستی صاف و پوست کنده، از جمله برتری طلبی سفیدپوست (سفیدسالاری-م) و مردسالاری علی، و دامن زدن به بیگانه هراسی (زینوفوبیک) نژادپرستانه نسبت به مهاجران، به ویژه آن هایی که از مکزیکی و سایر کشورهایی که ترامپ آن ها را به عنوان "سوراخ های حاوی گه" می داند، و همچنین حمایت آشکار از شکنجه و آدمکشی توسط پلیس و هواداران "غیرنظامی" ترامپ. و هنگامی که ترامپ به قدرت رسید با اجرای این برنامه پیشگام شده است و بر هر "هنجارهای نهادینه شده" که در سر این راه ایستاده است، حتی در مواجهه با استیضاح- و با تکبر و شتاب زیاد، یک بار دیگر فاشیست های همکارش در حزب جمهوری خواه به تبرئه وی در مجلس سنا روی دادند.

اساساً، هر آنچه در ابتدای این بیانیه درباره این رژیم توصیف شده همان چیزی است که ترامپ و اطرافیانش با انتقام جویی انجام داده اند. با نزدیک شدن به انتخاباتی که قرار است در ماه نوامبر برگزار شود، این امر پررنگ تر و خشونت آمیزتر شده است. و تصور کنید که ترامپ در صورت انتخاب مجدد "دوره دوم" از طریق انتخاب مجدد در نوامبر آینده، چه خواهد کرد.

بیماری همه گیر کووید-۱۹ و پاسخ ترامپ و پنس به این موضوع نیز تصویر واضح دیگری از ماهیت ضد علمی این رژیم و بی اعتنائی کاملش به رنج توده های مردم به ویژه آن هایی که بیشتر مورد تحقیر این رژیم واقع شده اند، و اکثر آن ها در اثر این بیماری همه گیر مورد اصابت شدید قرار گرفته اند، فراهم کرده است.

اما، به همان اندازه که همه این‌ها وحشتناک بوده است، این صرفاً یک موضوع مرتبط با سیاست‌های هولناک نیست، بلکه **به شکل کیفی حاکمیتی متفاوت مبتنی بر سرکوب وحشیانه و نقض آنچه اساسی‌ترین حقوق محسوب می‌شود، است.**

در حال حاضر ما دیده‌ایم که ترامپ، در نقض آشکار اصول قانون اساسی، سربازان اشغالگر متجاوزی از آژانس‌های مختلف دولت فدرال را برای جرم‌انگاری مخالفان (تظاهرات مسالمت‌آمیز آن‌ها را یک عمل غیرقانونی و به یک جرم جنایی تبدیل کردن- م) و سرکوب افرادی که در پورتلند و سایر شهرها معترض هستند، و به سلطه حکومت ترور علیه توده‌های مردم در داخل شهرهای شیکاگو و جاهای دیگر می‌افزاید.

ما شاهد نمایش خشن ترامپ از وطن‌پرستی متعصبانه "آمریکا مقدم بر دیگران"، از جمله خواستارهای مکرر وی برای مجازات شدید کسانی هستیم که به نظر وی نتوانسته‌اند وطن‌پرستی شونیستی افتخارآمیزی را از خود نشان دهند، یا کسانی که جرئت ابراز انتقاد و اعتراض به برخی از ستمگری‌هایی که توسط مجریان این سیستم، به ویژه قتل بی‌رحمانه و مداوم مردم سیاه‌پوست، قهوه‌ای پوست و بومیان آمریکا توسط پلیس انجام می‌شود. ما شاهد تشویق همیشگی او به آدمکشی توسط برتری‌طلبان سفیدپوست، توسط پلیس و "افراد طرفدار متمم دوم قانون اساسی" و سایر "افراد بسیار خوب" هستیم.

همه این‌ها یادآور به قدرت رسیدن هیتلر و نازی‌ها در آلمان در دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ است. وقتی هیتلر جنبش فاشیستی خود را بنا نهاد، ارادل‌واوباش آدمکش برای حملات وحشیانه و ترور افرادی که از هیتلر و نازی‌ها حمایت نمی‌کردند، بسیج شدند و آن‌ها را در خیابان و سایر اماکن عمومی به قتل رساندند. هنگامی که دولت فاشیستی نازی قدرت خود را تثبیت کرد، هرگونه مخالفتی به شدت مجازات و خرد شد. همه کسانی که علناً ایدئولوژی رسمی نازی را تأیید و درملاءعام رسماً مورد پشتیبانی قرار نمی‌دادند، مورد هدف

قرار گرفتند. تعداد زیادی از مردم- همه کسانی، به ویژه یهودیان و سایر افراد دیگر (غیریهودی-م)، که "غیر" از "نژاد خالص آلمانی" بودند و "مانع رسیدن به اهداف مخوف نازی" تلقی می شدند، از مؤسسات دولتی پاک سازی شدند. ابتدا از کمونیست ها شروع شد، ولی به مرور زمان مشمول جمعیت یهودی، رومانیایی ها، همجنسگرایان و دیگران شد و آنها نیز مورد حمله قرار گرفتند، اردوگاه های کار اجباری پر از کسانی بود که تهدیدی برای نازی ها یا "لکه ننگی" برای ملت آلمان محسوب می شدند. و این باعث شد که در مدت کوتاهی نسل کشی گسترده میلیون ها یهودی در آلمان و کشورهای که توسط نازی ها فتح و اشغال شده اند، منجر شود.

همه این ها به یک باره اتفاق نیفتاد- بلکه در طی یک دوره نسبتاً کوتاه (یک دهه یا بیشتر) و با یک سرعت فزاینده، اتفاق افتاد. حاکمیت قانون کاملاً آشکارا و رسماً کنار گذاشته نشده بود، اما "قانون" و "حاکمیت قانون" به همان شکلی که هیتلر و نازی ها می گفتند باید باشد، بود. بخش عمده ای از کاری که هیتلر و نازی ها در زمان حکم فرمایی تروریستی و نسل کشی شان انجام دادند "مطابق قانون" بود- قانونی که آنها طبق برنامه و اهداف وحشیانه شان، به چیزی مگر از اهداف و ابزارهای که به طرز جنایتکارانه ای توسط نهادهایی اجرا می شدند که محتوا یا هدفی شان مطابق و در خدمت برنامه نازی بود و به چیزی بیش از ابزارهای قساوت نازی تقلیل یافت.

در مجموع آنچه ترامپ در حال حاضر انجام می دهد - از جمله فراخوان های علنی وی برای لغو تصمیمات دیوان عالی و موارد قبلی (به عنوان مثال غیرقانونی کردن سقط جنین و مجازات سوزاندن پرچم) به همراه نقض قانون و روند قانونی و مکررش و اصرارش بر اینکه او قانون است- می توانیم سایه آشکار دیکتاتوری فاشیستی حتی آشکارتر را ببینیم. فاشیسم همان چیزی است که: دیکتاتوری باز و تهاجمی، زیر پا گذاشتن و منحرف کردن قانون، تکیه بر خشونت و ترور، به نمایندگی از سیستم سرمایه داری غارتگر و به عنوان تلاشی افراطی برای مقابله با تمایزات عمیق اجتماعی و بحران های حاد (هر دو در داخل کشور و در عرصه جهانی). و با حرکات "وزیر آموزش و پرورش" ترامپ، خانم "بتیسی دیووس"- که خودش یک

فاشیست مسیحی است و هدف نهایی او تعویض آموزش عمومی و غیرمذهبی با مدارس مبتنی بر تلقین بنیادگرایان مسیحی - می توان طرح کلی رژیم ترامپ/پنس را که نسخه ایدئولوژی "رسمی (فاشیست مسیحی)" است، مشاهده کرد. ما می توانیم سایه چشمگیر وضعیتی را تشخیص دهیم که نه تنها دانش آموزان مدرسه بلکه همه افراد جامعه نیز ملزم به وفاداری با یک آمریکای فاشیستی مسیحی سفید باشند.

بیانیه تشکل نپذیرفتن فاشیسم (Refuse Fascism - RefuseFascism.org) یک سازمان سیاسی که از افرادی که با دیدگاه های مختلف مترقی و همچنین کمونیست های انقلابی تشکیل شده، مستقر در ایالات متحده است که خواستار برکناری دولت ترامپ است.) - با روشی متقاعدکننده و قدرتمندی این گونه استدلال می کند:

مرزبندی های واقعی که پیامدهای فاجعه آمیز برای کل بشریت به همراه دارد، کشیده می شود. اگر حق اعتراض - از طریق قانونی یا فراقانونی - قانونی را از دست بدهیم ، همه چیز غیرقابل پیش بینی است. فاشیسم فقط بدترین حالت چرخش شاقول (آونگ پاندول- م) نیست. این یک تغییر کیفی در نحوه اداره جامعه است. مخالفت یکی پس از دیگری ایزوله شده و جرم شناخته می شود. حقیقت به شدت سرکوب می شود. هر گروه پس از گروه دیگری دیواسان تلقی شده و در طول یک مسیر که به وحشت واقعی منجر می شود، مورد آزار و اذیت قرار می گیرند. همه این ها بیش از سه سال است که دارد اتفاق می افتد ، اما باوجود اردوگاه های کار اجباری در مرز، ترامپ در دادگاه استیضاح ریاکارانه تبرئه شد، و یک دستور اجرائی (از سوی قوه مجریه توسط ترامپ- م) برای محافظت از تندیس ها صادر می شود درحالی که حقوق طرح شده در متمم اول قانون اساسی (آزادی بیان و تظاهرات و غیره- م) به زندان واقعی شدن منجر و جرم شمرده می شود، خیلی ها هنوز هم می خواهند غرق در توهمات راحت که این واقعاً اتفاق نمی افتد. این فاشیسم است. این اتفاق دارد می افتد و زمان متوقف کردن آن از دست می رود.

مدت خیلی طولانی است که عده‌ای از ما، از جمله صداهای متنوعی که توسط فاشیسم Refuse (فاشیسم Refuse) نمایندگی شده‌اند، به خطر فوری بسیار واقعی- و خطر بالقوه حتی بیشتر- توسط رژیم ترامپ/پنس اشاره داشته‌اند، اغلب با مردود شمردن(مختومه و تخطئه کردن- م) متکبران روبرو شده‌اند. توسط کسانی که نمی‌توانند، یا نمی‌خواهند واقعیت و مسیر طی شده این رژیم را ببینند؛ کسانی که خطر بسیاری از کارهای مخوفی که این رژیم قبلاً انجام داده است، را نادیده گرفته یا کم‌اهمیت جلوه دهند. و سپس به آنچه هنوز توسط این رژیم انجام نشده است به‌عنوان به‌اصطلاح "مدرکی" استفاده می‌کنند که این کارها را انجام نخواهد داد. اکنون، در این زمان دیر شده و حساس، به‌عنوان "ترساندن اغراق‌آمیز" از ماهیت فاشیستی این رژیم و شباهت بسیار واقعی آن با دهشت‌هایی که رژیم‌های فاشیستی قبلی انجام داده‌اند، رفتار کردن- نه تنها به معنای چشم‌پوشی از درس‌های حیاتی تاریخ، بلکه همچنین ندیدن واقعیت بسیار خطرناک وضعیت فعلی، از جمله اهمیت این واقعیت است که ترامپ- با تحقق وعده‌هایش به فاشیست‌های مسیحی- دادگاه‌ها و همه راه‌ها تا دیوان عالی کشور، با لژیون‌هایی از فاشیست‌های مسیحی و دیگر قاضیان راست افراطی، که به سمت "مشروعیت قانونی" دادن به کل برنامه هولناک رژیم فاشیستی ترامپ/پنس حرکت خواهد کرد، پر کرده است.

اگر این رژیم بتواند قدرت خود را بیشتر تثبیت کند و در اجرای اهداف دهشتناکش جهش‌های بیشتری ایجاد کند، این امر یک عقب‌گرد ویرانگرانه برای هرگونه تلاشی در برابر بی‌عدالتی و به نابودی مدافعان حقوق دموکراتیک و طرفداران هرگونه اصلاحات مترقی معنادار و همچنین نیروهای متشکلی که برای تحول بنیادین انقلابی می‌جنگند، ختم خواهد شد.

به یک معنای اساسی، نیاز فوری به بسیج توده‌های مردم حول مطالبه در مجبور کردن به حذف این رژیم فاشیستی با طغیان گسترده بر ضد سفیدسالاری نهادینه‌شده و ترور

پلیس یا دیگر جنبش‌های جمعی علیه دهشت‌های این سیستم مغایرتی ندارد، اما وحدت پایه‌ای با همه این مبارزات بسیار حیاتی است و همه این‌ها را می‌توان و باید درک کرد و با روشی قدرتمند و متقابل تقویت کرد. [این بخش را دوباره بخوانید]

۳ اتکا صرف به رأی دادن برای برکنار کردن این رژیم تقریباً مطمئناً منجر به نتایج بسیار بد و حتی فاجعه‌آمیز خواهد شد. این امر به‌ویژه با توجه به کارهایی که این رژیم قبلاً انجام داده است و آنچه ترامپ در رابطه با انتخابات می‌گوید، است.

از طریق حملات کاملاً بی‌اساس به رأی دادن از طریق پست (رأی را با پست فرستادن- م)، و آماده‌سازی زمینه برای ارباب و انسداد سیاه‌پوستان و لاتین‌تبارها که برای استفاده از حق رأی خود در تلاش‌اند، از جمله اقداماتی از طرف رژیم ترامپ/پنس و حامیان آن برای سرکوب آراء کسانی است که احتمالاً رأی علیه ترامپ می‌دهند. همان‌طور که در انتخابات سال ۲۰۱۶ انجام داد، ترامپ پیشاپیش در صورت عدم برنده شدن در این انتخابات، این احتمال را از نپذیرفتن نتیجه انتخابات اعلام نموده است. و هم‌اکنون ترامپ آشکارا ایده "تأخیر" در انتخابات را "بلند" کرده است.

با توجه به کارهایی که ترامپ قبلاً انجام داده است، و آنچه او آشکارا اعلام کرده است، به همان اندازه که وحشتناک است همچنین که این رژیم نیروهای طوفان‌زای وفادار به این رژیم را در شهرهای سراسر این کشور مستقر کند، بسیار واقع‌گرایانه (ریالستیک) است- که به طرز شرورانه‌ای برای سرکوب هرگونه ابراز مقاومت یا مخالفت اقدام کنند- با نزدیک شدن انتخابات و فراتر از آن ادامه خواهد داشت.

این بیماری همه گیر(کووید-۱۹) یا دستورات اجرایی برای فرونشاندن "بی نظمی مدنی" (یعنی اعتراضات) در بسیاری از مناطق کشور، همچنین می تواند بهانه هایی برای "به تعویق انداختن" انتخابات، شاید به طور نامحدود باشد.

و مطمئناً غیرقابل تصور نیست که ترامپ برای ایجاد یک "وضعیت اضطراری ملی"- به عنوان مثال، با انجام اقدامات جنگی علیه ایران یا احتمالاً حتی چین- حرکت کند تا بتواند شرایط سرکوبگرانه ی شدیدتر و حتی تعداد بیشتری از سربازان طوفان را شبه نظامی را برای اشغال شهرها، به منظور لغو (یا نامحدود "تأخیر") انتخابات، یا کنترل رأی گیری و نتایج انتخابات در صورت برگزاری انتخابات، بسیج کند.

ادامه ساختن جنبش مقاومتی در برابر هرگونه حرکت های سرکوبگرانه ترامپ از جمله ایجاد ساختن مخالفت گسترده با این رژیم برای سرکوب رأی دهندگان و از طریق بسیج گسترده در حمایت و دفاع از کسانی که هدف چنین سرکوبگری هستند، از اهمیت اساسی برخوردار است.

با آگاهی کامل از آنچه این رژیم فاشیستی نماینده اش است، و این بدان معناست که ترامپ نه تنها به دنبال سرکوب آرای افرادی است که علیه وی رأی خواهند داد، بلکه در حال آماده سازی برای استفاده از سرکوب شدید و خشونت آمیز در صورتی که در انتخابات برنده اعلام نشود، برای ماندن در سمت خود است، اکنون یک بسیج واقعاً گسترده و پایدار حول شعار متحد کننده که این رژیم باید همین حالا برود!- با جهت گیری آمادگی برای ادامه این حتی پس از انتخابات، در صورتی که شرایط ملزم کند.

از روزهای نخست به قدرت رسیدن رژیم ترامپ/پنس، تشکل علیه فاشیسم این رژیم را فاشیسم را فراخوانده و خواستار بسیج گسترده برای بیرون راندن این رژیم است که اکنون، هرچه بیشتر مورد نیاز است. اینکه- این تشکل می توانست تفاوت واقعی ایجاد کند- به این مفهوم که اگر همه کسانی که از این رژیم متنفر هستند اما نتوانستند، یا نپذیرفتند، که ماهیت فاشیستی واقعی آن و خطر بزرگی را که برای بشریت به وجود می آورد را خیلی زودتر تشخیص و به طور فعال مطالبه تشکل علیه فاشیسم (Refuse Fashism) را قبول و به آن پاسخ مثبت می دادند، بسیار خوب می بود. حالا، سرانجام، در مورد ماهیت "اقتدارگرایانه" این رژیم و حتی استفاده از لفظ (اصطلاح-ترم-م) فاشیسم، در تشخیص و بحث برای توصیف آن فزونی گرفته است. (همان طور که اشاره کردم، از طرف بسیاری، این یک مورد از "اوه"، آن ها اکنون می گویند "این فاشیسم است، انگار که این موضوع به تازگی طرح گشته است. اما، با درک در مورد هزینه های عمیقی که وجود دارد مهم است که بدانیم اکنون بهتر از هرگز است.) زمان دارد از دست می رود و دیر می شود- اما هنوز دیر نیست که این بسیج گسترده به واقعیت تبدیل شود. **با تکیه بر و محدود کردن اقدامات در داخل "هنجارها" و "کانال های عادی" این سیستم، از جمله انتخابات آینده، نمی توان این مشکل عمیق و فوری را حل کرد، به خصوص هنگام برخورد با رژیم فاشیستی و پیروان متعصب آن که مصمم اند آن "هنجارها" را پایمال و به هم ریخته و پاره کنند.** [این بخش را دوباره بخوانید]

۴ در این زمان حساس، باید از هر وسیله مناسب با اقدام غیر خشونت آمیز برای بیرون کردن این رژیم از قدرت استفاده شود. و اگر علی رغم اعتراض گسترده تحت مطالبه حذف رژیم ترامپ/پنس، این رژیم در زمان رأی گیری در قدرت باقی بماند، پس- **بدون اینکه اتکا اساسی بر این گذاشته شود- با استفاده از تمام وسایل مناسب برای انجام حذف این رژیم باید شامل رأی دادن بر ضد ترامپ شود** (فرض بر این است که انتخابات واقعاً برگزار شده است). واضح است که، این به معنای "رأی اعتراض" برای برخی از کاندیداها که شانس

پیروزی نداشته باشند، نیست، بلکه در واقع رأی دادن به نامزد حزب دموکرات، بایدن، به منظور رأی گیری مؤثر علیه ترامپ است.

دلیل این امر آن نیست که بایدن (و به طور کلی حزب دموکرات) به طور ناگهانی به چیزی غیر از آنچه هستند تبدیل شده اند: آن‌ها نمایندگان و ابزارهای این سیستم استثماری، سرکوبگر و به معنای واقعی کلمه قاتلان سیستم سرمایه‌داری-امپریالیسم هستند. روند انتخابات همچنان به همان روشی است که ما در وبسایت انقلاب آن را "انتخابات مزخرف بورژوازی" نامیدیم، هست. این مورد باقی مانده است که هیچ تغییر اساسی برای بهتر شدن وضعیت نمی‌تواند از طریق این فرآیند انتخاباتی به وجود آید، و این که به طور کلی و در تحلیل نهایی، رأی دادن تحت این سیستم، به ویژه اگر رأی گیری به عنوان راهی شناخته شود- و بیشتر اینکه اگر این به عنوان (تنها) راه برای ایجاد تغییر معنی‌دار مشاهده شود، در جهت خدمت به تقویت این سیستم است.

اما این انتخابات متفاوت است.

این درست است که در هر انتخاباتی، دموکرات‌ها همان نقش فریبکارانه‌شان را ایفا می‌کنند- افرادی را که از بی‌عدالتی و ستم متنفر هستند گول می‌زنند که به آن‌ها به عنوان "شر کمتر" رأی دهند- اصرار می‌ورزند که: "شما ممکن است با هر آنچه ما می‌گوییم موافق نباشید، حتی ممکن است اختلافات و انتقادهای جدی در مورد راهکاری و آنچه ما نمایندگی می‌کنیم، داشته باشید- اما آیا می‌خواهید آن‌ها در قدرت باشند؟! (سفید سالاران آشکار، مردسالاران، چپاولگران محیط‌زیست و منکران تغییرات آب و هوایی و همه راهکارهای از این قبیل را که حزب جمهوری خواه نمایندگی می‌کند). حزب دموکرات نیز این کار را بارها و بارها کرده است، در حالی که خود نماینده و به دنبال در رأس این سیستم سرمایه‌داری-امپریالیسم بودن هستند که سفیدسالاری، مردسالاری، غارت محیط‌زیست و جنگ برای امپراتوری در سیستم تعبیه شده است، در همان زمان همان طور که دموکرات‌ها صداهایی در مورد آن

ایجاد می کنند و برخی اقدامات را برای اجرای اصلاحات جزئی، و در نهایت بی معنی انجام می دهند تا ظاهراً این بی عدالتی ها را برطرف کنند. همه این ها در واقع به پیشرفت امور به سمت وضعیت وحشتناکی که اکنون با آن روبرو هستیم کمک کرده است. این امر بسیاری از کسانی را که به دنبال خاتمه دادن به چنین بی عدالتی هایی هستند، از لحاظ سیاسی فلج کرده و آن ها را به وابستگی منفعل به حزب دموکرات و نقش آن در فرایند انتخابات کاهش می دهد، ضمن اینکه به آتش بخش های فاشیستی سرسخت جامعه می افزاید که هیچ اصراری ندارند که این خشم ها را کاهش دهند- هیچ امتیازی به مبارزه با این امر نمی دهند- و در واقع خواستار تقویت وحشیانه این ستم و به طرز افراطی هستند.

اما، تأکید مضاعف این است که، این انتخابات به طریقی مهم و حیاتی متفاوت است. سؤال این نیست که آیا بایدن و دموکرات ها نماینده چیزی "خوب" هستند یا اینکه آیا از نظر اصولی دموکرات ها "بهتر" از جمهوری خواهان هستند. هر دوی این احزاب، *احزاب سیاسی طبقاتی حاکمه هستند* و هیچ یک از نامزدهای آن ها به اساسی ترین و اصلی ترین مفهوم هیچ چیز "خوب" را نمایندگی نمی کنند. بایدن به هیچ وجه "بهتر" از ترامپ نیست - *به جز اینکه او ترامپ نیست و بخشی از حرکت برای تحکیم و اجرای حکومت فاشیستی با هر آنچه نمایندگی می کند، نیست.*

برخورد به این انتخابات از دیدگاه اینکه کدام نامزد "بهتر" باشد، به معنای عدم درک درستی از هزینه واقعی و عواقب احتمالی آنچه در آن دخیل است، هست. واقعیت این است که یک "خوب" وجود دارد که می تواند از دل این انتخابات بیرون بیاید: *تحمیل یک شکست قاطع به ترامپ و کل رژیم فاشیستی. انجام این کار شرایط به مراتب بهتری را برای ادامه مبارزه علیه هر آنچه رژیم ترامپ/پنس نمایندگی می کند و کلیه ستم و بی عدالتی که این سیستم ایجاد می کند و یک هدیه عالی برای مردم جهان خواهد بود.*

بازهم تأکید می‌شود، در این شرایط خاص و خارق‌العاده، اگر رژیم ترامپ/پنس باوجود بسیج گسترده با مطالبه برکناری این رژیم، هنوز هم در زمان انتخابات در قدرت باشد، باید مبارزه علیه این رژیم فاشیستی شامل رأی دادن به بایدن علیه ترامپ باشد. درحالی‌که همچنان به ایجاد بسیج گسترده پایدار علیه این رژیم و هر آنچه را که نماینده می‌کند و بر آن تمرکز دارد، باید ادامه داد و آماده بودن تا در صورت بازنده شدن ترامپ در انتخابات ولی از ترک کردن مقام ریاست جمهوری خودداری کند، این بسیج گسترده را به پیش ببرد. [این بخش را دوباره بخوانید]

۵ با این حال، در شناخت این مسئله، تأکید بر این نکته بسیار مهم است که بار دیگر به سخت‌ترین وجه ممکن تأکید کنیم که به دلایلی که در اینجا گفته می‌شود، اتکا به رأی دادن - بدون این بسیج گسترده - به احتمال زیاد منجر به فاجعه خواهد شد.

این احتمال وجود دارد که ترامپ بتواند واقعاً در انتخابات پیروز شود - هرچند که چه پیروز شود یا شکست بخورد، این انتخابات شامل حرکات بی‌سابقه‌ای برای سرکوب آرای مخالفان وی و استفاده از وسایل غیرقانونی دیگر برای ادامه قدرت وی خواهد بود. و حتی اساسی‌تر، با درک دقیق ماهیت فاشیستی این رژیم و پیامدهای کامل آن، این رژیم بدون توجه به ابزاری که به قدرت رسیده است، نامشروع است، و برای حفظ و تثبیت بیشتر قدرت حرکت می‌کند. هیتلر و نازی‌ها در دهه ۱۹۳۰ از طریق "کانال‌های عادی" و "سیستم دموکراتیک" در آنجا - از جمله انتخابات - در آلمان به قدرت رسیدند، اما مطلقاً هیچ چیز "مشروع" در مورد حکومت آن‌ها و همه دهشت‌های واقعاً ناگفته‌شان وجود نداشت. و همین اصل اساسی در مورد رژیم ترامپ/پنس صدق می‌کند. به دلیل ماهیت و محتوای آن، چیزی به نام فاشیسم "مشروع" وجود ندارد.

هر اتفاقی که در انتخابات بیفتد- و حتی اگر بایدن برنده شود و موفق شود به مقام ریاست جمهوری برسد- "بازگشت به وضعیت عادی" وجود نخواهد داشت. اول از همه، فاشیست‌ها- آن‌هایی که هنوز در موقعیت‌های قدرتمند هستند و "پایگاه" فاشیستی در سطح وسیع‌تر جامعه- این اجازه را نمی‌دهند. و به هر حال، هیچ‌کس نباید آن را بخواهد. "عادی شدن وضعیت" این سیستم همواره شامل ستمگری وحشیانه مردم سیاه‌پوست و سایر افراد رنگی، با ترور، قساوت و قتل‌عام سامانمند برای اجرای این ستمگری است. همواره شامل تبعیض شرورانه، تعصب شدید تبعیض‌آمیز و خشونت علیه مهاجران، زنان، افراد دگرباش جنسی و سایر افرادی که به‌عنوان فرومایه و "بیگانه" تلقی شده‌اند، است. همواره شامل جنگ‌های ناعادلانه برای امپراتوری و ادامه جنایات علیه بشریت بوده است. این کشور از طریق تخریب‌های روزافزون آن به محیط‌زیست و تهدید همیشگی جنگ هسته‌ای، تهدیدی برای موجودیت بشریت محسوب می‌شود.

مبارزات چندجانبه برای براندازی رژیم فاشیستی ترامپ/پنس باید نه به‌عنوان یک جایگزین بلکه به‌عنوان یک بخش- یک بخش مهم- در حرکت به سوی فراتر رفتن از آنچه که نمایانگر و تجسم "وضعیت عادی" این سیستم است، انجام شود. [این بخش را دوباره بخوانید]

۶ سرانجام، صرف‌نظر از اینکه چه اتفاقاتی در این انتخابات می‌افتد، این حقیقت به قوت خود باقی می‌ماند- و شناخت و انجام عمل بر مبنای چنان شناختی بسیار حیاتی است- که هیچ تغییر اساسی برای بهتر شدن وضعیت نمی‌تواند تحت این سیستم انجام شود. حتی در شرایطی که بسیج جمعی پایدار باید فوراً پیرامون مطالبه متحد‌کننده برکناری ترامپ/پنس از هم‌اکنون ساخته شود!، همه‌کسانی که به این نتیجه رسیده‌اند که سفیدسالاری، مردسالاری و بسیاری دیگر از دهشت‌ها و جنایاتی علیه بشریت که در این سیستم امپریالیسم-سرمایه‌داری تعبیه شده است، باید با هم کار کنیم، تا به شکلی مداوم، یک جنبش

پایدار در حال رشد و تقویت نیروهای سازمان یافته برای یک انقلاب واقعی برای سرنگونی این سیستم بنا کنیم.

در جمع بندی: با توجه به هزینه و خطر واقعی بزرگی که نه تنها از نظر هر موضوع مشخص، هرچقدر هم که مهم باشد و نه صرفاً از نظر منافع این کشور، بلکه برای توده های مردم در سراسر جهان و آینده بشریت نیز وجود دارد، یک نیاز کلان برای برخورد به امور و عمل با پیچیدگی لازم برای مقابله با تناقضات پیچیده و دشوار که در همه این ها موجود است- داشتن یک چشم انداز گسترده، رد فرقه گرایی خرد(سکتاریسم) و دگماتیسم شکننده، و پرهیز از سقوط به "یا این و یا آن" فلج کننده به این معنی که گفته شود: یا ما با سفیدسالاری و ترور پلیس مبارزه می کنیم، یا برای تحقق سرنگونی رژیم فاشیستی ترامپ/پنس مبارزه می کنیم. یا در این انتخابات رأی دهیم، یا مبارزه گسترده ای را علیه ستمگری بی رحمانه و علیه این رژیم فاشیستی سازمان دهی و ایجاد می کنیم. یا با هر وسیله مناسب در مخالفت با این رژیم، یا برای انقلاب کار می کنیم. در این شرایط خارق العاده و بسیار پیچیده- و از دیدگاه پیشبرد مبارزه برای هدف نهایی محو کلیت ستم و استثمار، در همه جا- نیاز فوری به انجام همه این موارد و انجام این کار با درک ارتباط صحیح و لازم بین بخش های مختلف این رویکرد کلی: قرار دادن تأکید اصلی و اتکا به بسیج گسترده، رأی دادن در این شرایط خارق العاده ضروری و مهم اما مهم ترین چیزی نیست که باید به آن اتکا کرد؛ و از نظر اساسی، همه این ها به ایجاد شرایط مطلوب تر و ایجاد نیروهای سازمان یافته نه تنها برای مقاومت در برابر جنایات این سیستم بلکه در نهایت انجام انقلابی که به جنایات این سیستم فوق العاده جنایتکار و تسلط آن در جهان، به هر شکلی، پایان دهد.

[این بخش را دوباره بخوانید]

این متن در شبکه اجتماعی تلگرام در لینک زیر منتشر شد:

https://t.me/New_Communist/2074

به شما که از این جامعه و "راه حل"هایی که راهکاری ندارند، به ستوه آمده‌اید:
راهی برای بیرون رفتن از این وضعیت جنون آمیز وجود دارد!
با نظرات باب آواکیان درگیر و آشنا شوید

یک رهبر متفاوت رادیکال
کسی که چارچوب کاملاً نوینی
برای رهایی بشریت تکامل داده است



باب آواکیان: انقلاب - نه چیزی کمتر!

گروه کمونیست‌های انقلابی سنتر نوین کمونیسم در ایران

فیر ۱۳۹۹